

مجله زبان و ادبیات عربی (مجله ادبیات و علوم انسانی سابق) (علمی-پژوهشی)، شماره هفدهم - پاییز و زمستان ۱۳۹۶

دکترمالک عبدی^۱ (استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه ایلام، ایلام، ایران)
 یوسف طاهری^۲ (دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران)
 نجمه محیایی^۳ (دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران، نویسنده مسئول)

بررسی نظام طرح داستان حضرت ابراهیم (ع) در قرآن کریم با تکیه بر نظریه ی پیرنگ لاری وای

چکیده

داستان به‌عنوان یک فن مهم ادبی مورد توجه ادیان الهی به‌ویژه اسلام قرار گرفته است. تا آنجا که یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های ادبیات قرآنی ساختار روایی و داستانی آن است. پرنمودترین داستان قرآنی که در قالبی هنری و با اسلوبی منحصربه‌فرد بیان شده، داستان حضرت ابراهیم (ع) است. از ویژگی‌های بارز این داستان طرح منسجم و پیوند محکم بین اجزای آن است. در پژوهش حاضر با تکیه بر الگوی پیرنگ «لاری وای» و به روش توصیفی-تحلیلی به بررسی طرح داستان حضرت ابراهیم (ع) در قرآن کریم پرداخته ایم تا بخشی از جلوه‌های هنری این داستان را نمایان سازیم. یافته‌های این پژوهش حاکی از این است که مدیریت دقیق و گزینش مناسب اطلاعات، خلق معما و تعلیق پی‌درپی در کمترین حجم متن و کنش، همسویی کنش‌ها و وحدت حوادث و یکدستی روایت در حادثه پردازی در کل داستان از ویژگی‌های خاص پیرنگ در داستان ابراهیم (ع) است.

کلیدواژه‌ها: طرح، پیرنگ، لاری وای، ابراهیم (ع)، قرآن کریم.

مقدمه

برای شکل‌گیری یک روایت لازم است عناصری به‌عنوان اجزای سازنده ی آن وجود داشته باشند تا از تلفیق و ترکیب آن‌ها، ساختمان روایت شکل بگیرد، بی‌شک عناصر زیادی از جمله: شخصیت، زاویه ی دید، صحنه، درون‌مایه، گفتگو، توصیف، لحن، اتمسفر و ... وجود دارد؛ شایان ذکر است که تغییر در هر یک از این عناصر سبب تغییر در ساختار کلی روایت می‌شود؛ بنابراین، در هر روایت وجود اجزاء، قوانین، روابط و مناسبات میان آن‌ها الزامی است (میرصادقی، ۱۳۸۰: ۷۶).

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۹/۲۱

پست الکترونیکی: 1. malekabdi@yahoo.com 2. Yosof.tahei@gmail.com 3. Mahyayi.92@gmail.com

آنچه روابط و پیوندهای عناصر موجود را در کل ساختار تعیین می کند، طرح است. طرح یکی از اساسی ترین عناصر روایت و از مهم ترین ملاک های ارزیابی زیبایی شناسانه یک اثر روایی است. قرآن کتاب آسمانی مسلمانان از سبک روایی خاص خود برخوردار است و داستان های آن به دلیل داشتن ظرفیت های والای ادبی - روایی از زمینه ی مناسبی برای سنجیده شدن با معیارهای طرح شناسی برخوردارند؛ اما تاکنون آنچنان که باید از منظر طرح شناسی مورد توجه و بررسی جدی قرار نگرفته اند. لذا در این جستار داستان ابراهیم^(ع) را بر اساس نظریه لاری وای از نظر طرح شناسی بررسی و تحلیل نموده ایم.

بدین منظور پژوهندگان در آغاز مختصراً به معرفی داستان، پیرنگ، نظریه های پیرنگ و معرفی کلی داستان ابراهیم^(ع) در قرآن کریم پرداخته اند؛ آنگاه با تکیه بر نظریه ی پیرنگ لاری وای طرح و چارچوب این داستان را مورد بررسی و تحلیل قرار داده و به سؤالات زیر پاسخ داده اند:

۱- ویژگی های طرح و پیرنگ در داستان ابراهیم^(ع) در قرآن کریم چگونه بروز و ظهور پیدا کرده است؟

۲- مطابقت طرح و پیرنگ داستان ابراهیم^(ع) در قرآن کریم با نظریه ی پیرنگ لاری وای چگونه است؟

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، توصیفی - تحلیلی و بر اساس رویکرد ساختارگرایی است. نتایج این تحلیل مبتنی بر نظریه ی ساختارگرایی «لاری وای» است و ملاک ها و عناصر آن، ساختار روایی و تحلیل عناصر کنش گر است که با تحلیل این عناصر، به پرسش های اصلی جواب داده خواهد شد.

پیشینه ی تحقیق

تاکنون در مورد بررسی ساختار روایت و پیرنگ داستان های قرآن کریم مطالعات و پژوهش های متعددی صورت گرفته است که مهم ترین آن ها عبارتند از:

محمود بستانی در کتابی با عنوان جلوه های هنری داستان قرآن کریم در دو جلد به بررسی مفاهیم فکری و جنبه های ساختاری داستان های قرآن کریم پرداخته است.

اسماعیل صادقی و همکاران در مقاله ای با عنوان «بررسی ساختار روایت در داستان حضرت ایوب» در فصلنامه ی مطالعات داستانی، بر طبق الگوی پیرنگ «تودروف» و «گریماس» به بررسی ساختار روایت و پیرنگ در داستان حضرت ایوب^(ع) پرداخته اند.

علی اصغر حبیبی و همکاران در مقاله ای با عنوان «واکاوی مؤلفه های روایی داستان های قرآن کریم» به بررسی پیرنگ تعدادی از داستان های قرآن کریم پرداخته است. لیلا قهرانی در مقاله ای با عنوان «جلوه های هنر قرآنی» به بررسی طرح و ساختار تعدادی از داستان های قرآن کریم پرداخته است.

خلیل پروینی در مقاله ای با عنوان «تحلیل عناصر ادبی و هنری داستان های قرآن» به صورت محدود به بررسی برخی از مؤلفه های روایی و جلوه های هنری داستان های قرآنی از جمله پیرنگ پرداخته است.

ولی الله شالی در مقاله ای با عنوان «جلوه های نمایشی قصه های قرآن» به بررسی عناصری مانند: پیرنگ، احتمال، زمان و... در تعدادی از داستان های قرآنی پرداخته است.

در تمامی پژوهش های نامبرده، به تحلیل پیرنگ داستانی به شیوه های مختلف و به صورت محدود پرداخته شده است؛ اما در این پژوهش، طرح داستان حضرت ابراهیم^(ع) از قرآن کریم مفصلاً از دیدگاه نقد ساختارگرایی و با تکیه بر نظریه ی لاری وای مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد. شایان ذکر است که در مورد بررسی ساختارگرایانه ی متون روایی براساس نظریه ی لاری وای تنها یک پژوهش صورت گرفته است که آن مقاله ی «بررس و تحلیل طرح داستان یوسف^(ع) در قرآن کریم» از زهرا رجبی و سمیه آذر در فصلنامه ی پژوهش های ادبی است.

تعریف داستان

«داستان» تصویری است واضح از چشم انداز و برداشت نویسنده از زندگی. ویلفرد آل گورین این روایت را چنین توضیح می دهد: «روایت آن توسط خود نویسنده، یکی از اشخاص داستان یا شخصی که حکایت و داستان فرعی را شنیده است، بازگو می گردد.» جمال میرصادقی در کتاب «جهان داستان» پیرامون داستان می گوید: «داستان (Story)، به مفهوم عام آن نقل (مکتوب یا شفاهی، واقعی یا خیالی) عملی است برحسب توالی زمان؛ یا به عبارت دیگر، داستان، توالی حوادث واقعی و تاریخی یا ساختگی و ابداعی است (میرصادقی، ۱۳۹۲: ۱۳۸).

«داستان» در زبان فارسی به معنی قصه، حکایت، افسانه و سرگذشت به کار رفته است و در ادبیات، اصطلاح عامی به شمار می آید که شامل صور متنوع قصه میشود و انشعابات مختلف ادبیات داستانی از قبیل داستان کوتاه، رمان، داستان بلند و دیگر اقسام این شاخه از ادبیات خلاق را در برمیگیرد (داد، ۱۳۷۵: ۱۳۲).

داستان یک سلسله وقایع حقیقی یا غیرحقیقی است که به طور زنده و آمیخته با جزئیات بیان شده باشد، به نحوی که مخیله خواننده یا مستمع بتواند آن‌ها را مجسم کند (براهنی، ۱۳۴۸: ۱۲۱).

همچنین در مورد داستان گفته اند: نوع ادبی است شامل رخدادهایی که در محیط، توسط اشخاصی معین روی می‌دهد، با سبکی ویژه ساخته میشود و دارای عناصر هشت‌گانه (پیرنگ، کشمکش، شخصیت، گفتگو، زاویه دید، صحنه، اندیشه و سبک) است (ساعدی، ۱۹۹۹: ۳۷).

ناصر ایرانی نیز در تعریف داستان چنین می‌گوید: داستان به هر اثر منثوری گفته می‌شود که بیش از آنکه از لحاظ تاریخی حقیقت داشته باشد، آفریده و ابداع نیروی تخیل و هنر نویسنده است (ایرانی، ۱۳۶۴: ۲۸).

از جمله ویژگی‌های قرآن کریم، به کارگیری داستان برای بیان اهداف و مقاصد خود است. داستان در قرآن وسیله‌ای است برای دعوت به یکتاپرستی و زندگی صالح. خداوند متعال بسیاری از حوادث و رویدادها را در قرآن کریم با قالب داستان بیان نموده است تا بهتر در دل و جان بندگان نفوذ نماید.

قرآن داستان‌های متعددی از جن و انس، به‌ویژه پادشاهان، افراد خاص و ... مطرح کرده است. داستان پیامبران نیز در آیات بسیاری بیان شده است. این داستان‌ها از نظر کوتاه و بلندی انواعی دارند؛ مثلاً داستان پردازی‌های قرآن از نظر طولی به صورت داستانک همچون «داستان زکریا، ایوب، هود، صالح، اسماعیل، نوح»، داستان متوسط (داوود، عیسی و مریم) و داستان بلند (یوسف، ابراهیم و سلیمان) است (قطب، بی‌تا: ۱۶۵-۱۶۸). در این جستار به بررسی پیرنگ داستان ابراهیم (ع) در قرآن کریم و با تکیه بر نظریه‌ی لاری وای میپردازیم.

تعریف پیرنگ

داستان یکی از قالبهای ادبی است که در مکتب ساختارگرایی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. داستان، اجزا و عناصری دارد که در تحلیل‌های ساختاری، ضمن تجزیه و تحلیل؛ روابط آن‌ها با یکدیگر و با کل داستان سنجیده می‌شود. طرح (پیرنگ)، شخصیت، حوادث داستانی، راوی، زمینه، فضا و لحن از عناصر اصلی سازنده‌ی داستان‌اند (میرصادقی، ۱۳۸۲: ۶۴).

طرح به مجموعه علل یا علت و معلول‌هایی گفته می‌شود که داستان را شکل میدهد؛ در واقع پیرنگ پاسخ به چرایی است که در ذهن مخاطب ایجاد می‌شود، داشتن طرح قوی یکی از ویژگی‌های داستان است، روایت‌شناسان طرح را معمولاً چنین تعریف می‌کنند: "طرح، نقل حوادث است با تکیه بر موجبیت و روابط علت و معلولی." (فورستر، ۱۳۶۹: ۹۲).

عنصر اساسی این تعریف تسلسل حوادث و اصل علیت است؛ یعنی حوادث و رویدادهای داستانی به وسیله ی رابطه ی سبب و مسببی از پی هم می آیند و به یکدیگر میپیوندند؛ پیرنگ در ارتباط دو سویه با فرم و محتوای داستان قرار دارد، از یکسو نظم و سازمان خاصی به فرم و شکل اثر می دهد و از دیگرسو به محتوای اثر جنبه ی عقلانی و منطقی می بخشد. "ساختمان ماهرانه یک طرح مستلزم توانایی پرورش حوادث درون اثر در یک سیر تحولی جالب و پویاست. به طور کلی طرح رابطه ی علت و معلولی داستان را بر عهده دارد و وابستگی موجود میان حوادث داستان را به طور عقلانی تنظیم می کند." (زیس، ۱۳۶۰:۱۳).

تعبیر و برداشت های مختلفی از مفهوم طرح رواج دارد؛ اما در بیشتر آن ها یک نقطه ی اشتراک دیده می شود، طرح با توالی وقایعی ارتباط دارد که تلویحاً یا آشکاراً بر مبنای ترتیب زمانی تنظیم شده اند؛ یا علاوه بر پیوستگی زمانی رابطه ی علت و معلولی نیز در این توالی نقش دارد، عناصر ساختاری پیرنگ عبارتند از: ۱- افتتاحیه ۲-گره افکنی. ۳- کشمکش. ۴-هول وولا (تعلیق). ۵- بحران. ۶-نقطه ی اوج ۷- گره گشایی. ۸- اختتامیه (دیپل، ۱۳۹۰:۶).

ادوارد مورگان فورستر تعریف ساده اما بسیار مفیدی از طرح (پیرنگ) به دست می دهد: داستان، روایت رویدادهایی است که در توالی زمانی منظم شده باشد. طرح نیز روایت رویدادهاست که در آن بر تضاد تأکید شده باشد. طبق تعریف فورستر بین داستان و پیرنگ تفاوت است از این سخن درمی یابیم که داستان نقل رشته ای از حوادث است که تنها بر طبق توالی زمانی، نظم و ترتیب یافته است در حالی که پیرنگ نقل حوادث با تکیه بر رابطه ی علی و معلولی است (فورستر، ۱۳۶۹:۹۲).

بررسی نظریه های طرح در روایت

تعریف طرح یا پیرنگ در اصل، از فن شاعری ارسطو مایه می گیرد. ارسطو، طرح را متشکل از سه بخش می داند: آغاز (که حتماً نباید در پی حادثه ی دیگری آمده باشد)، میانه (که هم در پی حوادثی آمده و هم با حوادث دیگری دنبال می شود)، و پایان (که پیامد طبیعی و منطقی حوادث پیشین است) (ارسطو، ۱۳۵۷:۱۲۲).

ارسطو به طرح به دیده یک کنش واحد و منسجم می نگریست (پرین، ۱۳۷۸: ۴۲) و برای آن اهمیتی بیش از اجزای دیگر قائل می شد و از آن به عنوان روح تراژدی یاد می کرد. در دیدگاه ارسطو، طرح ایده آل، از چنان همبستگی و استحکامی برخوردار است (اخوت، ۱۳۷۱: ۴۳).

به‌ویژه از قرن بیستم به بعد به دلیل توجه صاحب نظران عرصه ی داستان به این عنصر و طرح مباحث تازه و دقیقی در مورد آن، این عنصر جایگاه واقعی خود را در میان سایر عناصر داستانی بازیافت و اصول، وظیفه ها و الگوهایی برای آن تعریف شد (مکاریک، ۱۳۸۵: ۲۰۲).

«طرح روایت رویدادهاست که در آن بر تصادف تأکید شده باشد.» طبق تعریف فورستر پیرنگ نقل حوادث با تکیه بر موجیّت و روابط علی و معلولی است (فورستر، ۱۳۶۹: ۱۱۲).

از نیمه قرن بیستم، شکل گرایانی چون: «پراپ، تودوروف، اشکولوفسکی برمون و گریماس» نیز کوشیدند پیرنگی واحد و مبتنی بر روشی منطقی و علمی بیابند، که قوانین درونی ترکیب بندی پیرنگ را بیان کند (کریمی، ۱۳۹۱: ۸۵).

شایان ذکر است که اصطلاح طرح یا پیرنگ، نخستین بار توسط «تروتان» و «تودوروف»، زبان شناس و روایت شناس بلغاری مقیم فرانسه به کار برده شد و «ولادیمیر پراپ» نخستین روایت شناسی بود که در حوزه ساختارگرایی با بررسی انواع مختلف روایت، طرحی فراگیر ارائه داد (پراپ، ۱۳۸۶: ۱۶۲).

معرفی نظریه ی پیرنگ لاری وای

لاری وای نیز همانند دیگر ساختارگرایان برای پیشنهاد الگویی واحد برای پیرنگ در دوره ی معاصر کوشید. وی با تأثیر از دیدگاه های ارسطو الگویی ساده و مجازی در این زمینه ارائه داد. در دیدگاه لاری وای هر روایت از پیرنگ کلی مشتمل بر پنج مرحله است. این پنج مرحله عبارتند از: ۱. مرحله اولیه پایدار، ۲. گره افکنی که در حالت اولیه خلل وارد می کند؛ ۳. پویایی یا کنش، ۴. حل مشکل و گره گشایی که نتیجه کنش است. ۵. وضعیت پایانی که در آن تعادل دوباره به دست می آید (رجبی، ۱۳۹۱: ۱۱۴).

بنابراین در الگویی که لاری وای ارائه داده، هر روایت شامل سه مرحله ی ۱. آغاز (پایدار اول)، ۲. میانه (ناپایدار)، ۳. پایان (پایدار دوم) است (همان: ۱۱۴).

شروع داستان که در آن هیچ گونه کشمکشی بین شخصیت های روایت وجود ندارد همان مرحله پایدار آغازین در الگوی «لاری وای» است. میانه ی داستان نیز که کشمکش بین شخصیت ها را در بر می گیرد، در الگوی «لاری وای» همان وضعیت ناپایدار است. به عقیده ی «لاری وای»، بیشترین شگردی که نویسنده در طرح ریزی به کار می برد، در مرحله میانه و ناپایدار داستان است (میرصادقی، ۱۳۸۵: ۷۴).

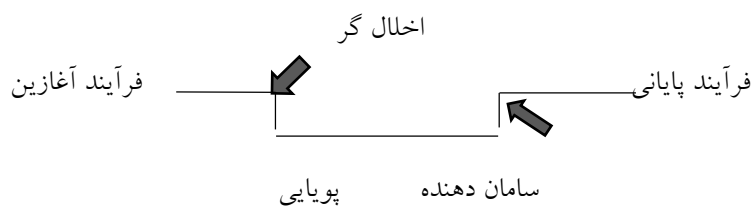
این مرحله سه بخش فراز، اوج و فرود دارد. فراز با گره افکنی از طریق نیروی اختلال گر یا برهم زننده مرحله پایدار و بر هم زدن تعادل در داستان شروع می شود و حاصل آن، دست کم، یکی از

چهار نوع کشمکش جسمانی، ذهنی، عاطفی و اخلاقی است (همان: ۷۴). شاخص ترین معیار این موقعیت، حرکت تصاعدی کنش های داستان و هدایت آن ها به مرحله بحران و اوج، و در نتیجه، انگیزش حس تعلیق در مخاطب روایت است (رجبی، ۱۳۹۱: ۱۱۴).

مرحله ی میانی الگوی پیرنگ «لاری وای» که از آن به مرحله ی پویایی و انتقال یاد می شود شامل سه نقطه گره افکنی، بحران و گره گشایی است. داستان از نقطه گره گشایی که با نیروی سامان دهنده صورت می گیرد، به سوی مرحله پایانی پایدار دوم می رود (همان: ۱۱۵).

مرحله پایان نیز در الگوی «لاری وای» همان وضعیت پایدار دوم است که در آن، داستان به پایداری جدیدی مغایر با وضعیت اولیه میرسد. در این مرحله نیروی سامان دهنده ای روند تغییر و تحول را خاتمه می دهد (میرصادقی، ۱۳۸۵: ۷۴).

بر اساس طرح پیرنگ لاری وای میتوان شمایی کلی همانند شکل زیر از یک روایت ترسیم نمود:



الگوی طرح «لاری وای» به گونه ای است که می توان آن را برای تحلیل هرگونه روایتی اعم از ساده یا پیچیده به کار گرفت؛ لذا در زیر پس از معرفی کلی داستان حضرت ابراهیم (ع) در قرآن کریم ساختار روایتی (طرح) آن را با تکیه بر پیرنگ «لاری وای» مورد بررسی و تحلیل قرار می دهیم.

معرفی داستان ابراهیم (ع) در قرآن کریم

نام حضرت ابراهیم (ع) ۶۹ بار در ۶۳ آیه از ۲۵ سوره ی قرآن کریم ذکر شده است و چهاردهمین سوره قرآن به نام اوست که ۵۲ آیه دارد. کلمه ابراهیم لفظ اعجمی است که مرکب از «آب» به معنای پدر و «راهیم» به معنای «رحیم» است (ابوالستیت، ۱۹۹۱: ۱۲۵).

داستان حضرت ابراهیم (ع) از جمله داستان های بلند قرآن کریم است که در سوره های مختلف پراکنده شده و شامل ژرف ترین معناها و آموزه های اسلام است. مضامینی چون: یکتاپرستی، معاد، اخلاص، یقین و صبر و... که ممکن است در سوره یا داستانی هر کدام شاخصتر باشد، اما همه آن ها در پیوستاری منسجم از نوجوانی تا پایان حیات حضرت ابراهیم (ع) و ساختن کعبه مطرح میشوند

و دارای وحدت موضوعی هم در سوره مورد نظر و هم در ارتباط با کل داستان های وی است. داستان های مربوط به رویدادهای زندگی این پیامبر اولوالعزم در ۱۷ سوره آمده است که عبارتند از بقره: (۱۲۴ و ۲۶۰-۲۵۸)، انبیا: (۵۱-۷۱)، انعام: (۷۴-۸۳)، عنکبوت: (۱۶-۲۷)، شعراء: (۶۹-۸۹)، زخرف: (۲۸-۲۶)، مریم: (۴۱-۴۹)، ابراهیم: (۳۵-۳۸ و ۴۷-۴۹)، صافات: (۸۳-۱۱۳)، ذاریات: (۳۷-۲۴)، هود: (۷۶-۶۹)، حجر (۵۱)، نحل (۶)، هود (۱۲۰)، ممتحنه (۶۹) (حسینی، ۱۳۷۷: ۸۴).

در هر سوره جهت تأمین اهداف فکری آن و با اسلوب بیانی تعبیر، تصویرگری ها و طرح خاصی به کار گرفته شده است. در حقیقت فرازهای انتخابی داستان در هر سوره علاوه بر آن که با فضای کلی آن سوره کاملاً تناسب دارد. حلقه های جهت تکمیل تصویر کلی داستان است. داستان مذکور به دلیل استفاده ی جدا و مناسب از عنصر پیرنگ از تأثیرگذارترین قصص قرآنی است که در راستای تأمین هدف فکری قرآن حرکت می کند (جعفری، ۱۳۷۶: ۴۳).

اجزای داستان ابراهیم^(ع) در قرآن کریم بر اساس رابطه ی علت و معلولی به هم پیوسته است و پیوند محکم و زنده ای بین اجزاء آن برقرار است. به گونه ای که هر جزء آن مکمل جزء پیشین و یا شرح و تفصیلی برای آن و یا امری هماهنگ و متجانس با آن است. (بستانی، ۱۳۸۴: ۱۶۳)

ساختار این روایت سه قسمت ابتدایی میانی و نهایی داشته است.

شایان ذکر است که تمامی حوادث داستان ابراهیم^(ع) در قرآن کریم، از قبیل: تولد اسحاق، رها کردن هاجر و اسماعیل^(ع) در بیابان و قربانی نمودن اسماعیل^(ع)، همگی از چندین حادثه مجزا ولی مرتبط با هم تشکیل شده اند. هر یک از این حوادث دارای نقطه آغاز، گره افکنی، اوج، گره گشایی و پایان بندی است، با این تفاوت که در چند حادثه، عناصر پیرنگ قوی تر از حوادث دیگر است؛ گویا این حوادث در سرنوشت ابراهیم^(ع) تعیین کننده بوده است.

بر اساس طرح لاری وای، طرح کلی یا ابرساختار داستان ابراهیم^(ع) را میتوان بر محور وقایع زندگی و سرگذشت ابراهیم، به سه مرحله آغازین، میانی و پایانی تقسیم کرد. در این جستار طرح روایات را از منظر کنش های مرتبط با سایر شخصیت ها مورد بررسی و تحلیل قرار می دهیم.

طرح شناسی ماجرای در آتش افکندن ابراهیم^(ع)

در تمام حوادثی که در داستان حضرت ابراهیم^(ع) رخ می دهد، رابطه ی علی و معلولی حاکم است. این ویژگی در ماجرای بت شکنی و در آتش افکندن ابراهیم^(ع) نیز مشاهده می شود.

ماجرای در آتش افکندن ابراهیم (ع) بر یک طرح کلی و دو مرحله، (الف: شکسته شدن بت ها توسط ابراهیم (ع) و ب: در آتش انداخته شدن ابراهیم (ع) و گلستان شدن آتش برای وی) همراه است. این طرح طرحی مرکب است که از دو طرح جزئی تشکیل شده است.

طرح پاره ی اول: ۱. فرآیند آغازین: مشرکان به بت پرستی مشغولند و به خدای ابراهیم ایمان نمی یآورند. ۲. پویایی که شامل سه قسمت است: الف: گره افکنی: ابراهیم سوگند میخورد که چاره ی بت های آنان را بکند. ب. بحران: ابراهیم بت های مشرکان را می شکند. ج. گره گشایی: نمرود به خشم می آید و تصمیم می گیرد ابراهیم را مجازات کند. ۳. با تصمیم به آتش انداختن ابراهیم ماجرا خاتمه می یابد.

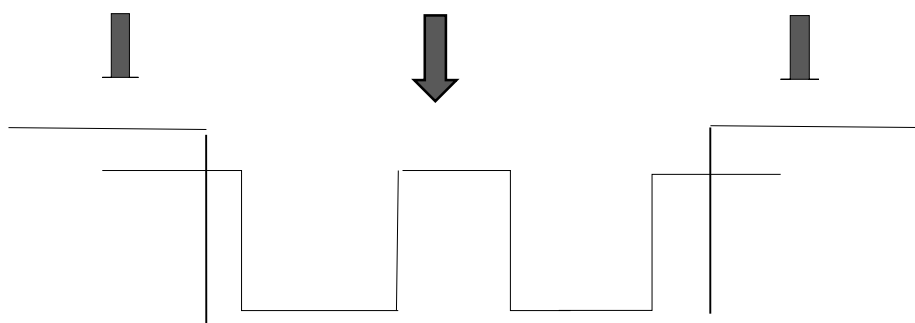
در این طرح ابراهیم عامل اخلال گر و نمرود از عوامل سامان دهنده است.

طرح پاره ی دوم: ۱. فرآیند آغازین: نمرود تصمیم گرفته ابراهیم را مجازات کند. ۲. پویایی که شامل سه قسمت است: الف: گره افکنی: به دستور نمرود برای به آتش افکنده شدن ابراهیم هیزم جمع آوری می شود. ب: بحران: با پرتاب شدن ابراهیم (ع) در داخل آتش داستان به اوج خود میرسد. ج. گره گشایی: به اذن خداوند آتش بر ابراهیم (ع) گلستان می شود و ابراهیم نجات می یابد. ۳. فرآیند نهایی: نمرود به هدفش نمی رسد.

در این طرح نمرود عامل اخلال گر و خداوند عامل سامان دهنده است.

شکل ترسیمی ماجرای در آتش افکندن ابراهیم (ع) چنین است:

فرآیند پایانی (تعادل ثانویه) فرآیند میانی (پویایی و کشمکش) فرآیند آغازین (تعادل اولیه)

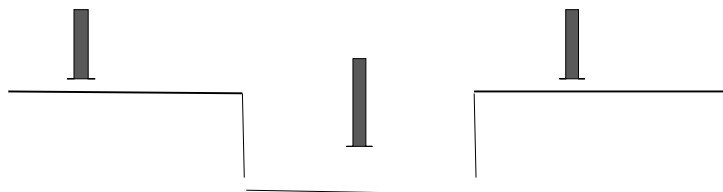


در این طرح کلی، دو طرح جزئی مربوط به بخش فرایند میانی طرح هستند که به ترتیب، عبارت‌اند از: شکسته شدن بت‌ها توسط ابراهیم^(ع) (۱). به آتش انداخته شدن ابراهیم^(ع) (۲).

طرح شناسی ماجرای هاجر و اسماعیل

ماجرای هاجر و اسماعیل در قرآن کریم بر یک طرح کلی استوار است و کنش‌های مرتبط با ماجرا در این روایت طرحی بدین شرح دارد: ۱. فرآیند آغازین: ابراهیم^(ع) به دستور خداوند فرزند و همسرش را در بیابانی دور دست و بی‌آب و علف رها می‌کند. ۲. پویایی با سه مرحله: الف. گره افکنی: رها شدن هاجر و اسماعیل در بیابان و تشنگی اسماعیل و بی‌تابی وی. بحران: هاجر برای یافتن آب برای کودکش میان کوه صفا و مروه به این طرف و آن طرف می‌دود، با بیهوش شدن کودک داستان به اوج خود می‌رسد. ج. گره‌گشایی: با جوشیدن چشمه‌ای در زیر پای اسماعیل، گره‌گشایی در داستان رخ می‌دهد. ۳. فرآیند پایانی: هاجر و کودکش از آب چشمه مینوشند و سیراب می‌گردند. در این طرح ابراهیم نیروی اخلاص‌گر و خداوند نیروی سامان‌دهنده است. شکل ترسیمی ماجرای هاجر و اسماعیل چنین است:

فرآیند پایانی (تعادل ثانویه) فرایند میانی (پویایی و کشمکش)، فرآیند آغازین (تعادل اولیه)



در این شکل سه فرایند، به ترتیب، عبارت‌اند از: رها کردن هاجر و اسماعیل در بیابان به دستور خداوند (فرآیند آغازین) (۱)، تشنه شدن هاجر و اسماعیل در بیابان و جوشیدن چشمه به اذن خداوند (فرآیند میانی) (۲)، سیراب شدن هاجر و اسماعیل (فرآیند پایانی) (۳)

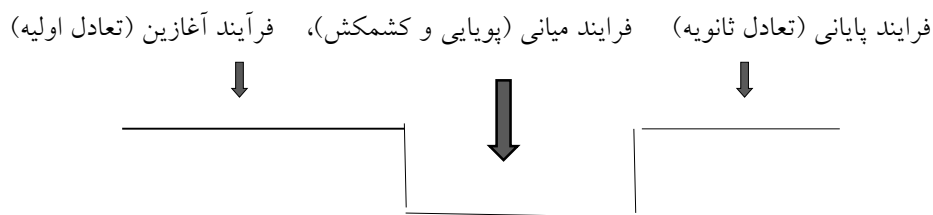
طرح شناسی ماجرای قربانی کردن اسماعیل

وقایع شرح‌دهنده سرگذشت قربانی کردن اسماعیل نیز یک طرح کلی است. کنش‌های مرتبط با ماجرا در این روایت طرح، بدین شرح است:
۱. فرآیند آغازین: به اذن خداوند ابراهیم رؤیایی می‌بیند.

۲. پویایی با سه مرحله: الف. گره افکنی: قربانی شدن اسماعیل در خواب گره افکنی داستان را رقم می زند. ب. بحران: ابراهیم فرزندش را از این رؤیا مطلع می سازد و فرزند پس از شنیدن سخنان پدر خواستار اجرای امر پروردگار می شود و در نهایت با قرار گرفتن چاقو بر روی گردن اسماعیل (ع) داستان به اوج خود می رسد.

ج. گره گشایی: با آمدن قوچی عظیم از سوی پروردگار و قربانی شدن آن به جای اسماعیل، گره گشایی در داستان رخ می دهد. ۳. فرآیند پایانی: اسماعیل به اذن خداوند از قربانی شدن رهایی می یابد.

در این ماجرا ابراهیم نیروی اخلال گر و خداوند نیروی سامان دهنده است.
شکل این طرح چنین است:



در این شکل سه فرآیند، به ترتیب، عبارتند از: رؤیای حضرت ابراهیم (فرآیند آغازین) (۱)، اقدام برای قربانی کردن حضرت اسماعیل (فرآیند میانی) (۲)، قربانی شدن قوچ و رهایی حضرت اسماعیل (ع) به اذن خداوند (فرآیند پایانی) (۳)

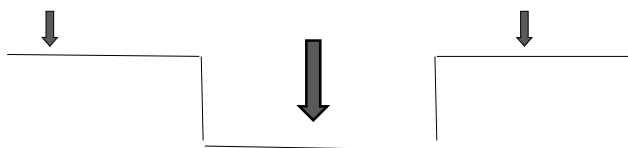
طرح شناسی ماجرای احتجاج ابراهیم (ع) با پدرش

ماجرای احتجاج ابراهیم (ع) با پدرش و دعوت وی به خداپرستی بر یک طرح کلی بنا شده است. این روایت از کنش هایی شکل گرفته که عبارتند از: ۱. فرآیند آغازین: ماجرا با دعوت ابراهیم (ع) به یکتاپرستی و مخالفت پدرش آغاز می گردد. ۲. پویایی با سه مرحله: الف. گره افکنی: پدر ابراهیم به شدت با پیشنهاد ابراهیم (ع) به مخالفت برمی خیزد. ب. بحران: با تهدید ابراهیم (ع) توسط پدرش برای سنگ سار شدن، ماجرا به اوج خود می رسد. ج. گره گشایی: با طلب آمرزش ابراهیم (ع) برای پدرش و دوری از وی گره گشایی داستان رقم می خورد. ۳. فرآیند پایانی: در نهایت با کناره گیری ابراهیم (ع) از

پدرش و بخشودن اسحاق و یعقوب به وی به اذن خداوند و به دلیل استقامت وی ماجرا به پایان می‌رسد.

در اینجا نیروی اخلاص گر و نیروی سامان دهنده ابراهیم^(ع) است. شکل ترسیمی ماجرای احتجاج ابراهیم^(ع) با پدرش چنین است:

فرآیند پایانی (تعادل ثانویه) فرآیند میانی (پویایی و کشمکش)، فرآیند آغازین (تعادل اولیه)



در شکل بالا سه فرآیند، به ترتیب، عبارتند از: دعوت ابراهیم^(ع) به یکتاپرستی (فرآیند آغازین) (۱)، مخالفت پدرش با دعوت وی و تهدید کردن او (فرآیند میانی) (۲)، کناره گیری ابراهیم^(ع) از خانواده (فرآیند پایانی) (۳)

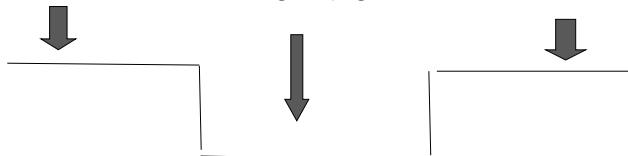
طرح شناسی ماجرای مژده ی تولد اسحاق

ماجرای مژده ی تولد اسحاق دارای یک طرح کلی است. کنش های این روایت بدین شرح است. ۱. فرآیند آغازین: میهمانانی ناشناس به منزل ابراهیم^(ع) می آیند. ۲. پویایی با سه مرحله: الف. گره افکنی: میهمانان از غذایی که ابراهیم^(ع) برایشان تدارک دیده، نخوردند. این امر نگرانی ابراهیم^(ع) را برانگیخت. ب. بحران: با مژده ی تولد اسحاق به ابراهیم و ساره داستان به اوج خود می‌رسد. ج. گره گشایی: ابراهیم و ساره با شنیدن چنین خبری بسیار متعجب می‌شوند، فرشتگان می‌گویند این امر با اراده خداوند محقق می‌شود و در این بخش گره گشایی در داستان رخ می‌دهد. ۳. فرآیند پایانی: ابراهیم و ساره به اذن خداوند صاحب فرزند می‌شوند.

در اینجا هر دو نیروی، اخلاص گر و سامان دهنده میهمانان هستند.

شکل ترسیمی ماجرای مژده ی تولد اسحاق چنین است:

فرآیند پایانی (تعادل ثانویه) فرآیند میانی (پویایی و کشمکش)، فرآیند آغازین (تعادل اولیه)



در این شکل سه فرایند، به ترتیب، عبارتند از: آمدن میهمانانی ناشناس به خانه ی ابراهیم^(ع) (فرآیند آغازین) (۱)، مژده ی تولد اسحاق توسط دو میهمان و تعجب ابراهیم و ساره از این خبر (فرآیند میانی) (۲)، متولد شدن اسحاق به اذن خداوند (فرآیند پایانی) (۳)

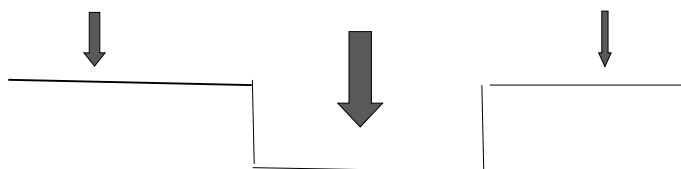
طرح شناسی ابراهیم (ع) و پرستش ستارگان، ماه و خورشید

وقایع داستان پرستش ستارگان و ماه یک طرح کلی است. کنش های این داستان عبارتند از: فرآیند آغازین: مشرکان به ستایش ماه، خورشید و ستارگان مشغولند و به خدای ابراهیم ایمان نمی آورند. ۲. پویایی که شامل سه قسمت است: الف: گره افکنی: ابراهیم تصمیم می گیرد که آنان را به خداپرستی دعوت کند. ب. بحران: ابراهیم ماه، ستاره و خورشید را به خدایی بر می گزیند و داستان در اینجا به اوج خود می رسد. ج. گره گشایی: با افول هرکدام از ماه، ستاره و خورشید، ابراهیم از پرستش آنها دست می کشد. ۳. ابراهیم با اثبات عدم صلاحیت ماه، ستاره و خورشید خداوند یکتا را برای پرستش بر می گزیند و داستان به اتمام می رسد.

در این طرح دو نیرو، اخلال گر و سامان دهنده خود ابراهیم^(ع) است.

شکل ترسیمی ماجرای پرستش ستارگان، ماه و خورشید چنین است:

فرآیند پایانی (تعادل ثانویه) فرآیند میانی (پویایی و کشمکش)، فرآیند آغازین (تعادل اولیه)



در این شکل سه فرایند، به ترتیب، عبارتند از: مشرک بودن قوم ابراهیم^(ع) (فرآیند آغازین) (۱)، پرستش ماه، ستاره و خورشید توسط ابراهیم^(ع) (فرآیند میانی) (۲)، اثبات عدم صلاحیت ماه، خورشید و ستارگان برای پرستش و پرستش خداوند یکتا (فرآیند پایانی) (۳).

نتیجه گیری

داستان حضرت ابراهیم^(ع) از جمله داستان های بلند قرآن کریم است که در ۲۵ سوره ذکر شده است. این داستان دارای پیرنگی ساده است و در عین حال از حوادث ساده برخوردار است. در این جستار، چگونگی طرح این روایت از پنج منظر کنش های مرتبط با ابراهیم، هاجر، اسماعیل و... بررسی

شد. بر اساس آنچه آمد این روایت دارای پنج طرح کلی و دو طرح جزئی است. با مطالعه کنش های اصلی طرح هر یک از روایت ها و نقش و جایگاه هر کنش در طرح کلی آن دریافتیم که داستان از طرح افکنی مناسب و طبیعی برخوردار است که در آن هر طرح جزئی نتیجه منطقی طرح پیشین و مقدمه مناسبی برای طرح پس از خود است. نکته دیگر درباره طرح و کنش های داستان، گزینش بجا و مناسب مهم ترین حوادث و پرهیز از درازگویی است. چنانکه گاه یک موقعیت بسیار پیچیده و بغرنج با کوتاه ترین جمله های ممکن بیان می شود. پیرنگ این داستان از روابط علت و معلولی تبعیت میکند. حوادث این داستان یکی پس از دیگری به وجود می آیند و به نتیجه ای قطعی و حتمی می رسند. این داستان توالی زنجیره های دارد و کنش ها و واکنش های شخصیت ها به صورت زنجیروار ادامه می یابند. خلاصه اینکه از ویژگی های خاص طرح در داستان ابراهیم (ع) می توان به مواردی چون: مدیریت دقیق و گزینش مناسب اطلاعات، ایجاد معنا و تعلیق پی در پی در کمترین حجم متن و کنش، همسویی کنش ها و وحدت حوادث و یکدستی روایت در حادثه پردازی در کل داستان اشاره کرد.

کتابنامه

۱. ابوالستیت، محمد الشحات. (۱۹۹۱ م). خصائص النظم القرآنی فی قصه ابراهیم (ع). قاهره: مطبعه الامانه. ۱۹۹۱ م.
۲. اخوت، احمد. (۱۳۷۱). دستور زبان داستان. تهران: فردا.
۳. ارسطو. (۱۳۵۷). فن شعر. ترجمه عبدالحسین زرینکوب. تهران: امیرکبیر.
۴. ایرانی، ناصر. (۱۳۶۴). داستان: تعاریف، ابزار، عناصر. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
۵. براهنی، رضا. (۱۳۴۸). قصه نویسی. تهران: اشرفی.
۶. بستانی، محمود. (۱۳۷۲). جلوه های هنری داستان های قرآن جلد ۲. ترجمه: محمدحسین جعفرزاده. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی. چاپ اول.
۷. پراپ، ولادیمیر. (۱۳۸۶). ریخت شناسی قصه های پریان. ترجمه فریدون بدره ای. تهران: مرکز.
۸. پرین، لارنس. (۱۳۷۸). ادبیات داستانی ساختار صدا و معنا. ترجمه ی سلیمانی و فهیمنژاد. تهران: رهنما.
۹. جعفری، حسینعلی. (۱۳۷۶). بررسی هنری بهترین قصه قرآن. تهران: حوزه هنری. چاپ اول.
۱۰. حسینی، سید ابوالقاسم. (۱۳۷۷). مبانی هنری قصه های قرآن. مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما. بیجا.

۱۱. داد، سیما. (۱۳۷۵). فرهنگ اصطلاحات ادبی. چاپ دوم. تهران: مروارید.
۱۲. دیپل، الیزابت. (۱۳۹۰). پیرنگ. ترجمه مسعود جعفری. تهران: نشر مرکز. چاپ اول.
۱۳. رجبی، زهرا و همکاران. (۱۳۹۱). بررسی و تحلیل طرح داستان یوسف در قرآن با تأکید بر نظریه پیرنگ لاریوای. فصلنامه ی پژوهش های ادبی سال نهم. شماره ۳۶.
۱۴. زیس، آنور. (۱۳۶۰). پایه های هنرشناسی علمی. ترجمه ی کم. تهران: پیوند.
۱۵. ساعدی، حاتم. (۱۹۹۹). محاضرات فی النثر العربی الحدیث. بیروت: مؤسسه المعرف للمطبوعات.
۱۶. فورستر، ای. ام. (۱۳۶۹). جنبه های رمان. ترجمه ی ابراهیم یونسی. تهران: امیرکبیر.
۱۷. قطب، السید. (بی تا). التصوير الفنی فی القرآن. بیروت: دارالشروق.
۱۸. کریمی، پرستو و همکاران. (۱۳۹۱). تحلیل ساختاری طرح داستان کیومرث براساس الگوهای تودوروف، برمون و گریماس. فصلنامه تخصصی مطالعات داستانی. سال اول. شماره اول.
۱۹. مکاریک، ایرناریما. (۱۳۸۵). دانشنامه ی نظریه ی ادبی معاصر. ترجمه ی مهران مهاجر و محمد نبوی. تهران: آگه.
۲۰. میرصادقی، جمال. (۱۳۸۰). عناصر داستان. تهران: سخن. چاپ چهارم.
۲۱. میرصادقی، جمال. (۱۳۸۲). ادبیات داستانی (قصه، رمان، داستان کوتاه). تهران: انتشارات علمی. چاپ چهارم.
۲۲. میرصادقی، جمال. (۱۳۸۵). ادبیات داستانی. تهران: مؤسسه ی نهادگذاری مطالعات علمی - پژوهشی گویا.
۲۳. میرصادقی، جمال. (۱۳۹۲). شناخت داستان. تهران: انتشارات نگاه.

الدكتور مالك عبيدي (أستاذ مساعد في قسم اللغة العربية وآدابها بجامعة إيلام، إيلام، إيران)
يوسف طاهري (طالب دكتوراه في قسم اللغة العربية وآدابها بجامعة لرستان، خرم آباد، إيران)
نجمه محياي (طالبة دكتوراه في قسم اللغة العربية وآدابها بجامعة لرستان، خرم آباد، إيران، الكاتب المسؤول)

دراسة أسلوب قصة إبراهيم (ع) في القرآن الكريم استنادا إلى نظرية الحكمة "لاري واى"

الملخص

تعتبر القصة كمطروحة أدبية هامة من قبل الأديان الإلهية خاصة الإسلام حيث أن من أهم سمات الأدب القرآني هي القصة و هيكله سردية. قصة إبراهيم (ع) هي القصة القرآنية التي تم التعبير عنها من حيث التنسيق الفني و الأسلوب الخاصة. ومن أبرز سمات هذه القصة هو التصميم المتماسك والصلات القوية بين مكوناتها، ولذلك في هذه الدراسة، استنادا إلى نموذج الحكمة "لاري واى" و من خلال المنهج الوصفي التحليلي، درسنا قصة النبي إبراهيم (ع) في القرآن الكريم لنوضح التجليات الفنية لهذه القصة. تشير نتائج هذه الدراسة إلى أن الإدارة الدقيقة والاختيار السليم للمعلومات وخلق الغموض والتعليقات اللاحقة في أقل قدر من النص والعمل، ومواءمة الإجراءات ووحدة الأحداث و السردية في الحادث في قصة كاملة من الخصائص الخاصة للمؤامرة في قصة إبراهيم (ع) .

الكلمات الرئيسية: القصة، الحكمة، لاري واى، إبراهيم (ع)، القرآن الكريم.